

بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر هنجارشکنی دانش آموزان (مورد مطالعه: دانش آموزان پسر و دختر دبیرستانی شهر اهواز)

دکتر سید عبدالحسین نبوی^۱، دکتر عبدالرضا نواح^۲ و افسانه حسینیوند^۳

تاریخ وصول: ۹۵/۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۳۱

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر هنجارشکنی در میان دانش آموزان پسر و دختر دبیرستانی شهر اهواز در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۳ انجام گرفته است. در چارچوب نظری تحقیق از نظریه‌های کنترل اجتماعی، نظریه‌ی همنشینی افتراقی ساترلند، نظریه‌ی یادگیری اجتماعی تارد، نظریه‌ی پیوند اجتماعی هیرشی، نظریه‌ی آنومی دورکیم، مرتون، پارسونز و ویلیام گود و نظریه‌ی هگن استفاده شد. مطالعه به روش پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. حجم نمونه ۳۷۵ نفر است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردیده است. نتایج تحلیل آماری داده‌ها نشان داد که، بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی، دلبستگی به والدین، تعلق به مدرسه، دینداری و نظارت والدین با هنجارشکنی رابطه‌ی منفی و معکوس وجود دارد؛ همچنین بین جنس، از هم‌گسیختگی خانواده، معاشرت با دوستان هنجارشکن و استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی رابطه‌ی مثبت و مستقیم وجود دارد. تنها بین متغیر تفاهم والدین با هنجارشکنی رابطه‌ی مشاهده نشد. فرضیات مطرح شده ۵۲/۶ درصد از واریانس هنجارشکنی دانش آموزان را تبیین کرده‌اند.

مفاهیم کلیدی: هنجارشکنی، دلبستگی به والدین، تعلق به مدرسه، از هم‌گسیختگی خانواده، تفاهم والدین، نظارت والدین

^۱ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز seyedabdolhosseinnabavi@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز dr.navah@yahoo.com

^۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده‌ی مسئول)

ahosseinvand68@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

امروزه بزهکاری و انحراف رفتاری نوجوانان به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی مورد توجه صاحب‌نظران علوم اجتماعی می‌باشد. در این میان هنجارشکنی و انحراف رفتاری دانش‌آموزان از اهمیت خاصی برای دست‌اندرکاران برخوردار است (شیخاوندی، ۱۳۵۰: ۱۱). هنجارشکنی^۱ به معنای سرپیچی از ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه به کار می‌رود. اگر فردی برخلاف رویه‌ها و قواعد مطلوب و مثبت جامعه گام بردارد و آنها را نقض کند، او را هنجارشکن می‌نامند (آقاپور، ۱۳۸۷: ۱۲). به عقیده‌ی مرتون^۲ هنجارشکنی به علت تناقض در اهداف و شیوه‌های دستیابی به هدف در یک جامعه یا فرهنگ آن پدید می‌آید و در جوامعی که دارای چنین تناقض قوی باشند، ارقام بالاتری از کج‌رفتاری را خواهند داشت (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۵).

به گفته‌ی آمار و تحقیقات و مسئولین، هنجارشکنی در میان دانش‌آموزان مدارس از معضلات اساسی نظام آموزشی ما محسوب می‌شود که خود این مسأله پیامدهای ناگواری دارد. وجود دانش‌آموزان نابهنجار در مدارس و عدم امکان کنترل آنها موجب می‌شود نابهنجاری همانند یک بیماری مسری به دیگر دانش‌آموزان نیز سرایت کند (شیخاوندی، ۱۳۵۰: ۱۴۴). این مشکلات و هنجارشکنی‌ها شامل موارد مختلفی مانند: تقلب در امتحانات، همراه داشتن لوازم ارتباطی الکترونیک (که خلاف قانون اکثر مدارس است) و استفاده از این لوازم هنگام تدریس، افراط شوخی کردن و تمسخر یکدیگر در کلاس‌ها، ترک کلاس و حضور پیدا نکردن منظم در مدرسه، بی‌احترامی به معلم‌ها و مدیران مدارس از سوی دانش‌آموزان و ... می‌باشد (داناخبر، ۱۳۹۲). به هر روی، انحراف امروز نوجوانان و جوانان می‌تواند زمینه‌ساز جرایمی بزرگتر در آینده‌ی آنان باشد و این امری است که برای حفظ آتی‌های جامعه و نیروهای آن، مستلزم اقدامی جدی است. از این‌رو علاوه بر شناسایی فرد منحرف و درمان سریع او، باید به‌طور عمیق‌تر و اساسی‌تری انحرافات آنها ریشه‌یابی شود و برای پیشگیری و از بین بردن عوامل ایجاد کننده‌ی آنها اقدام گردد (حمید، ۱۳۸۲). بررسی‌های همه‌گیرشناسی انجام شده در ۳۰ کشور اروپایی نشان داد که ۵۰٪ دانش‌آموزان ۱۶-۱۵ ساله، مصرف الکل و مواد اعتیادآور را تجربه کرده‌اند (رحیمی موقر و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۰۴-۸۳). قائم مقام دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر در نشست خبری خود گفت: ۱/۱ درصد از دانش‌آموزان شیشه مصرف می‌کنند؛ ۴ درصد از دانش‌آموزان که

^۱ Norm-breaking

^۲ Merton

اغلب آن‌ها ۱۶ تا ۱۷ سال سن داشته‌اند برای یکبار محرک شیشه را مصرف کرده‌اند (نسیم آنلین، ۱۳۹۳).

مطالعاتی که توسط اریک آندرم^۱ استاد دانشگاه اوهایو در زمینه‌ی «تقلب» دانش‌آموزان انجام شده نشان داده، ۶۰ درصد نوجوانان حداقل یک بار در آزمون‌ها تقلب کرده و ۳۸ درصد آنها بیش از دو بار به این امر مبادرت ورزیده‌اند. تحقیقات دیگری در این زمینه، حاکی از آن است که آمار تقلب دانش‌آموزان، از ۵۰ سال گذشته تا به امروز سیر صعودی داشته است (خیرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۶). در ایران نیز بر اساس آمار و نظرسنجی که چندی پیش انجام گرفته، بیش از ۸۰ درصد دانش‌آموزان تقلب می‌کنند (وکیلی، ۱۳۸۸). دکتر محمود گلزاری عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی در یک همایش اعلام کرد: در ایران ۸۰ درصد دختران دبیرستانی با یک پسر دوست هستند و حتی ممکن است ارتباط جنسی هم داشته باشند که خانواده‌ها و مسئولین مدارس از این موضوع بی اطلاع هستند (پارسینه، ۱۳۹۰)؛ و طبق گزارش ایسنا در آذر ماه سال ۱۳۹۳، دبیر فیزیک یکی از دبیرستان‌های بروجرد با ضربات چاقو توسط یک دانش‌آموز ۱۵ ساله جان باخت. هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر هنجارشکنی دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی ناحیه‌ی دو شهر اهواز است.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

اسفندیاری (۱۳۸۵)، در تحقیقی به "بررسی تطبیقی انواع هنجارشکنی‌های دانش‌آموزان" مقطع دبیرستان در مدارس دولتی شهرستان خواف و شهر بیرجند در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که دانش‌آموزان شهرستان خواف در مقایسه با دانش‌آموزان شهر بیرجند از پای‌بندی بیشتری به هنجارهای دینی، احساس انومی کمتر، فرصت‌های خانوادگی معدودتر، پیوند با خانواده، مدرسه و جامعه بیشتر، ارتباط با دوستان هنجارشکن کمتر و پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین‌تری برخوردارند، که به نظر می‌رسد علت آن را باید در ساخت سنتی‌تر جامعه‌ی خواف جستجو کرد (اسفندیاری، ۱۳۸۵).

^۱ E. Andreman

مهرگان (۱۳۸۹)، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان: "بررسی عوامل مؤثر بر نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های دخترانه‌ی رشت"، به بررسی گرایش دانش‌آموزان به نابهنجاری‌های رفتاری پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی از جمله: عدم پیوستگی دانش‌آموزان به اعضای خانواده، تماس و معاشرت دانش‌آموزان با دوستان ناباب، عدم پایبندی دانش‌آموزان به ارزش‌های دینی در هنجارشکنی دانش‌آموزان تأثیر دارند (مهرگان، ۱۳۸۹).

شاطریان و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی به "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان شهرستان آران و بیدگل" پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای معدل، پایگاه اجتماعی، عملکرد خانواده، دسترسی به منابع و امکانات، عملکرد جامعه و نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد ولی تفاوت معناداری بین جنسیت و نابهنجاری‌های رفتاری وجود ندارد. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد بیشترین تأثیر متغیرهای مستقل به ترتیب بر نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان عبارتند از: دسترسی به منابع و امکانات، عملکرد جامعه، معدل تحصیلی، پایگاه اجتماعی، عملکرد خانواده (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۵-۱۲۳).

ب) تحقیقات خارجی

دایکسترا^۱ و دیگران (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان: "ارتباط بین محبوبیت و رفتارهای هنجارشکنی، مخرب و پرخاشگری" به بررسی هنجارشکنی و محبوبیت در یک نمونه از جوانان (دختر و پسر) به صورت پیمایش مقطعی پرداختند. نتایج نشان‌دهنده‌ی ارتباط منفی بین محبوبیت و رفتارهای هنجارشکنی و پرخاشگری می‌باشد. بدین صورت که نوجوانانی که در ویژگی‌های مثبت مانند توانایی‌های ورزشی و گروه‌گرایی موفق هستند، محبوبیت بیشتری دارند و رفتارهای هنجارشکنی پایین‌تری انجام می‌دهند. اما بین محبوبیت و رفتارهای مخرب در هر دو جنس ارتباطی مشاهده نشد. طبق یافته‌ها، هنجارشکنی در بین دختران کمتر از پسران است و دختران بیشتر از پسران جذب گروه می‌شوند.

^۱ Dijkstra

مدوری^۱ (۲۰۱۱)، در تحقیقی "تأثیر مستقیم و غیر مستقیم والدین و همسالان بر انحراف جوانان" را مورد بررسی قرار داد. این پیمایش بر روی ۲۵۵۲ دانش‌آموز ۱۰، ۱۲ و ۱۳ ساله انجام شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که هر اندازه حمایت، نظارت و اطلاع والدین از فرزندان خود بیشتر باشد مصرف مواد آنها کمتر است و تعهد پایین نسبت به مدرسه و ارتباط زیاد با همسالان منحرفی که مواد مخدر مصرف می‌کنند رابطه‌ی مستقیم با مصرف مواد مخدر دانش‌آموزان دارد. تفاوت معنی‌داری هم از نظر جنسیت مشاهده شد. جان ویتنی^۲ (۲۰۱۳)، با بهره‌گیری از نظریه‌ی کنترل اجتماعی، به بررسی نقش مشارکت در برنامه‌های پس از مدرسه، روابط نظارت و تعهد به مدرسه در کاهش بزهکاری نوجوانان پرداخته است. این مطالعه با استفاده از داده‌های پیمایش محلی از ۵۵۶ دختر و پسر حاضر در یک باشگاه در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۰ جمع‌آوری شده است. نتایج رگرسیون دوجمله‌ای منفی نشان می‌دهد که افزایش نظارت در باشگاه با کاهش بزهکاری در ارتباط است و متغیرهای وجود ناظر و تعهد نوجوانان به مدرسه به‌عنوان عوامل واسطه‌ای در کاهش بزهکاری مؤثر واقع می‌شوند.

چارچوب نظری پژوهش

جامعه‌شناسان علل و عوامل گوناگونی را باعث شکل‌گیری رفتار مجرمانه و کجروی انسان‌ها می‌دانند. این جامعه‌شناسان ریشه‌های انحراف و علل آن را نه در درون فرد، بلکه در بیرون از او در واقعیت‌های اجتماعی نهادها، ساختارها، روابط اجتماعی و نظیر آن جستجو می‌کنند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۴۷).

امیل دورکیم^۳: نظریه آنومی

یکی از مهم‌ترین تبیین‌های جامعه‌شناختی از انحرافات و کژرفتاری، نظریه‌ی آنومی^۴ است، که در زبان فارسی به «بی‌هنجاری» ترجمه شده، دورکیم برای نخستین بار این اصطلاح را وارد جامعه‌شناسی کرد و بعد از او جامعه‌شناسان مختلف آن را در معانی بالنسبه متفاوت به کار بردند (همان: ۵۲). بی‌هنجاری را می‌توان وضعیتی دانست که در جامعه، هنجار معینی وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند و او بی‌ریشه عمل می‌کند. این

^۱ Medori

^۲ J. Whitney

^۳ Durkheim

^۴ Anomie

حالت هنگامی رخ می‌دهد که انتظارات فرهنگی با واقعیات اجتماعی ناهماهنگ و ناسازگار است (کوئن، ۱۳۷۳: ۲۲۱). ایده‌ی اصلی دورکیم در این زمینه آن بود که زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی، تحمل ناپذیر می‌شود و سرانجام به شکل‌گیری پدیده‌ی «آنومی» یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای دست‌یازیدن افراد به خودکشی و رفتار انحرافی نیز می‌شود. در نگاه دورکیم، بی‌هنجاری در شرایطی پدید می‌آید که در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد. به اعتقاد وی، پیامدهای آنومی نیز در شکل نوعی نابسامانی روانی و فردی و در قالب تعارض شخصیت فردی و «خودخواه» انسان با شخصیت اجتماعی و «دیگرخواه» انسان متجلی می‌شود، نتیجه‌ی این تعارض آن است که خواسته‌های وجدان جمعی کارایی خودش را از دست می‌دهد و تضعیف این الزام‌ها و فشارها نیز سبب می‌شود که افراد به حال خود رها شوند و اینجاست که آرزوهای نامحدود لجام‌ها را می‌گسلد و فشارهایی را بر فرد وارد می‌آورد تا به رفتارهای انحرافی دست یازد، پدیده‌هایی که دورکیم آن را همانند نادیده گرفتن مقتضیات وجدان جمعی می‌داند. به این صورت معنای بی‌هنجاری آن است که آرزوهای نامحدود، فشارهایی را بر افراد وارد می‌آورد تا به انحراف از هنجارهای اجتماعی دست یابند (کوزر، ۱۳۷۰: ۱۹۲-۱۹۱).

مرتن: نظریه ساخت اجتماعی و آنومی

پس از دورکیم رابرت مرتن جامعه‌شناس آمریکایی نظریه‌ی خود را بر پایه‌ی نظریه‌ی او تعمیم داد. مرتن (۱۹۷۰)، در مقاله‌ی معروفش با عنوان «ساخت اجتماعی و آنومی»^۱ مفهوم آنومی دورکیم را تعدیل کرد. به عقیده‌ی او تضاد میان اهداف فرهنگی مانند پول، قدرت و مقام و «ابزارهای نهادی شده‌ی مشروع»^۲ برای دسترسی به آن اهداف منبع اولیه‌ی آنومی است (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۰).

مرتون کج‌رفتاری را انطباق طبیعی با محیط اجتماعی خودگرایی در نظر می‌گیرد و برعکس مسأله‌ی ارتباط آن را با ابعاد بیولوژیکی و فقدان کنترل اجتماعی در نظر نمی‌گیرد. او در اثر خود در این زمینه دو عنصر اصلی را مطرح کرده است. در ساخت فرهنگی، نخست اهداف تعریف شده‌ی فرهنگی را در نظر می‌گیرد و بعد ابزار نهادی شده‌ی رسیدن به آن را مطرح کرده می‌کند؛ یعنی شیوه‌های دستیابی به این اهداف که جامعه در

^۱ Social structure and anomie

^۲ Legitimate means Institutionalized

اختیار فرد قرار می‌دهد در یک جامعه منظم اهداف^۱ و ابزار^۲ یا شیوه‌ها در یگانگی و هماهنگی و تطابق به سر می‌برند، هم پذیرفته شده هستند و هم در اختیار افراد جامعه قرار می‌گیرند. عدم تطابق، زمانی ظاهر می‌شود که تأکیدی ناموزون بر اهداف و ابزار یا شیوه‌های دستیابی به هدف قرار گیرد (مرتون، ۱۹۵۷: ۱۵۷؛ به نقل از ممتاز، ۱۳۸۵: ۶۵). بنابراین جرم و بزهکاری از ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نشأت می‌گیرد. همه‌ی اعضای جامعه در ارزش‌های مشترک سهیم‌اند و وفاقی جمعی درباره‌ی ارزش‌ها در جامعه وجود دارد، ولی چون اعضای جامعه به لحاظ ساختارهای اجتماعی در موقعیت‌های مختلفی قرار می‌گیرند، برای درک ارزش‌های مشترک فرصت‌های مساوی ندارند و چنین وضعی ممکن است موجب انحرافات اجتماعی شود؛ بنابراین واکنش‌های زیر از سوی افراد جامعه که ناشی از فشار بین اهداف فرهنگی و راه‌ها و وسایل دستیابی به آن اهداف است، انجام می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۱).

۱. همنوایی^۳: حالتی که جامعه متعادل است و افراد اهداف فرهنگی و راه‌ها و ابزارهای نهادی شده و قابل قبول برای نیل به آن اهداف را پذیرفته و در آن جهت تلاش می‌کنند (همان).

۲. نوآوری^۴: نوآوری معمولاً هنگامی رخ می‌دهد که افراد مترصد رسیدن هدف‌های مشروع باشند، ولی راه‌های استفاده‌ی مؤثر از وسایل پذیرفته شده برایشان مسدود باشد (ستوده، ۱۳۹۲: ۱۳۰).

۳. تشریفات‌پرستی^۵: به این معناست که افراد ابزارها و وسایل مورد تأیید جامعه را پذیرفته‌اند، اما اهداف فرهنگی در سطح وسیع انکار می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۱).

۴. عقب‌نشینی^۶: حالتی که در آن افراد جامعه نه اهداف فرهنگی را قبول دارند و نه وسایل و راه‌های مشروع نیل به آن هدف را می‌پذیرند (همان).

۵. طغیان و سرکشی^۷: این رفتار انحرافی وقتی رخ می‌دهد که شخص به این نتیجه برسد که جامعه موانعی بر وی تحمیل می‌کند و مانع نیل او به هدفهایش می‌شود. از این رو شخص مزبور علیه جامعه طغیان و سرکشی می‌کند و در صدد دگرگونی هدف‌های خود بر

¹ goals

² means

³ conformity

⁴ innovation

⁵ ritualism

⁶ retratism

⁷ rebellion

می‌آید و می‌کوشد تا وسایل موجود برای رسیدن به آنها را نیز تغییر دهد (ستوده، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

جدول ۱: گونه‌شناسی مرتن از کنش‌های مردم در برابر فشارهای ساختاری

وسایل	هدفها	شیوه‌های انطباق
+	+	همنوایی
-	+	نوآوری
+	-	مراسم‌گرایی
-	-	کناره‌گیری
+ / -	+ / -	طغیانگری و سرکشی
+ پذیرش / هدفها یا وسایل قابل دسترسی		
- عدم پذیرش / ناتوانی در حصول به هدفها یا وسایل مطلوب		

نظریه‌ی آنومی و ساختار خانواده‌ی ویلیام گود^۱

ویلیام گود^۲ با کمک گرفتن از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده، به‌عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی‌کننده، ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هر گونه نابه‌سامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کجرو دخیل می‌داند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸). ویلیام گود معتقد است خانواده کانون و هسته‌ی اصلی تشکل اجتماعی و به‌عنوان یک نظام کوچک اجتماعی است که زیربنای جامعه‌ی بزرگ‌تری را فراهم می‌آورد. به نظر وی خانواده، نقش عمده‌ای در تأمین نیازهای جسمی، روانی، روحی، عاطفی و اجتماعی فرزندان و اعضای خود ایفا می‌کند. به‌علاوه نهاد خانواده به جریان شناخت خود، کشف خویشتن به هویت‌یابی فرد کمک می‌کند. این نهاد هم‌چنین نقش عمده‌ای در یادگیری، تربیت و آموزش اعضا به عهده دارد که می‌تواند منبع رشد و شکوفایی استعدادهای فرزندان و اعضای خود به شمار آید؛ بنابراین هنجارها و ارزش‌های حاکم بر خانواده، بر تک‌تک افراد آن تأثیر قطعی دارد؛ به نظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش خود را به‌طور مناسب و شایسته‌ای انجام دهند، گسیختگی خانواده به‌وجود می‌آید؛ شدت گسیختگی را در از هم‌پاشیدگی و

^۱ Anomic and Family structure Good

^۲ William good

تلاش خانواده‌هایی که اعضای آن از هم جدا شده‌اند می‌توان مشاهده کرد. عواملی که منجر به فروپاشی، گسیختگی، اغتشاش، بی‌سازمانی ساختار فAMILI می‌شود و شرایط آنومیک را بر خانواده تحمیل می‌کند (گود، ۱۳۵۲: ۲۴۹-۲۴۸؛ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۳). این عوامل به اعتقاد گود عبارتند از: ۱- عدم مشروعیت؛ ۲- فسخ، جدایی، طلاق و ترک؛ ۳- خانواده‌ی توخالی؛ ۴- غیبت غیر ارادی یکی از دو همسر؛ ۵- عدم موفقیت در اجرای نقش‌های اساسی ناشی از نقص عضو یا بیماری. گود رفتار وندالیستی را چون بسیاری از صور کژرفتاری‌ها و نابهنجاری‌ها به اختلال در کارکرد و وظایف نهاد خانواده و گسیختگی در مناسبات و روابط فAMILI و بروز شرایط آنومیک در خانواده ربط داد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۹).

نظریه هم‌نشینی افتراقی ادوین ساترلند^۱

نظریه‌ی پیوند افتراقی ادوین ساترلند، مشهورترین نظریه از مجموع نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در مباحث کج‌رفتاری اجتماعی است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۴۸). نظریه‌ی وی بر این فرض استوار است که رفتار انحرافی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. وی معتقد است فرد بزهدار در طول حیات خود از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های انحرافی را فرا می‌گیرد و افراد به نسبت هم‌نشینی و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارند کجرو می‌شوند. از نظر وی، رفتار انحرافی، روانشناختی یا ارثی نیست بلکه مردم در مصاحبت و معاشرت با هم‌نویان در طول یک جریان جامعه‌پذیری، طغیان، تخطی از هنجارها را آموخته و به سوی رفتار انحرافی کشیده خواهند شد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۰۱). به اعتقاد ساترلند فرایند یادگیری که شامل ارتباطات و تعامل است می‌تواند همه‌ی انواع بزهدکاری و جرم را تبیین نماید. گزاره‌های نظریه‌ی یادگیری ساترلند به شرح زیر است.

۱. رفتار انحرافی یادگرفتنی است و ارثی و ذاتی نخواهد بود.

۲. رفتار انحرافی در فرایند ارتباطات یاد گرفته می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۶). این ارتباط عمدتاً از طریق زبان انجام می‌گیرد. در بعضی موارد از طریق حرکات نیز واقع می‌گردد (ممتاز، ۱۳۸۵: ۹۱).

^۱ Sathuerland

۳. بخش عمده‌ای از یادگیری رفتار انحرافی در درون گروه‌های صمیمی صورت می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۶؛ ممتاز، ۱۳۸۵: ۹۱).
۴. زمانی که رفتار کجرو آموخته می‌شود: الف) این یادگیری شامل تکنیک‌های ارتکاب جرم می‌گردد که در بعضی موارد دشوار و در بعضی موارد آسان است؛ ب) این یادگیری شامل کسب گرایش‌ها، جهت‌ها، انگیزه‌ها و توجیه رفتار می‌گردد.
۵. جهت گرایش‌ها و انگیزه‌ها از طریق تعاریف موافق و یا مخالف قواعد قانونی انجام می‌گیرد. در بعضی جوامع فرد با جمعی احاطه شده است که همگی بر این اعتقادند که قانون باید رعایت شود. اما در جوامع دیگری فرد با جمعی احاطه شده است که تعاریف همه‌ی آنها موافق قانون‌شکنی است.
۶. فرد در صورتی مبدل به کجرفتار و بزهکار می‌شود که تعاریف موافق قانون‌شکنی فراوانی بیشتری از تعاریف مخالف قانون‌شکنی داشته باشد. این اصل مهم نظریه‌ی فراوانی معاشرت است. این مسأله هم شامل معاشرت‌های انحراف‌آمیز و هم معاشرت‌های بهنجار می‌گردد.
۷. فراوانی معاشرت از نظر دفعات وقوع، مدت، ارجحیت و شدت می‌تواند متفاوت باشد. یعنی میزان معاشرت فرد با افراد کجرو در مقابل افراد بهنجار مدنظر است (سادرلند و کرسی، ۱۹۷۰: ۷۵؛ به نقل از ممتاز، ۱۳۸۵: ۹۱).
۸. فرایند یادگیری رفتار انحرافی از همنشینی‌ها با الگوهای رفتار انحرافی و غیر انحرافی شامل همه ساز و کارهایی می‌شود که در همه‌ی فرایندهای یادگیری وجود دارند (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۷).
۹. این دیدگاه که تنها بزهکاری و جرم حاصل نیازها و ارزش‌های اجتماعی است درست نیست، بلکه هم درستکاری و هم بزهکاری و جرم هر دو از نیازها و ارزش‌های اجتماعی فرهنگی یکسان سرچشمه می‌گیرند (همان).

هیرشی^۱ و پیوند اجتماعی

هیرشی که مهم‌ترین پایه‌گذار نظریه‌ی کنترل است موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌سازد. او بر این اعتقاد است کجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه

^۱ T. Hirschi

ضعیف باشد یا گسسته شود. هیرشی معتقد است چهار عنصر باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: (۱) وابستگی^۱، (۲) تعهد^۲، (۳) درگیری^۳، (۴) اعتقاد^۴ (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

۱. وابستگی: داشتن «تعلق خاطر» نسبت به افراد و نهادها در جامعه یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌زند. ضعف چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب کجرفتاری آزاد بداند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۴۸).

۲. تعهد: افراد در هر جامعه وقت و انرژی خود را صرف دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت، می‌کنند و به فعالیت‌های متداول زندگی روزمره «متعهد» بوده، از کجرفتاری می‌پرهیزند تا موفقیت‌هایی را که به دست آورده‌اند حفظ کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۴۸).

۳. درگیری: بیشتر افراد در طول زندگی خود زمان و انرژی محدودی دارند. «درگیری» در امور زندگی روزمره به وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بیکار و بیهوده، وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند (همان: ۱۲۲).

۴. اعتقاد: اشاره دارد به میزان اعتباری که فرد برای هنجارهای قراردادی اجتماع قائل است. در حالی که می‌تواند طبق میل خود از آن‌ها تخلف کند. بنابراین، هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هر چه این اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد، احتمال هنجارشکنی بیشتر است (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۲۲؛ بخارایی، ۱۳۸۹: ۹۴).

نای^۵ (۱۹۵۸)، محقق دیگری است که معتقد است خانواده از طریق چهار عامل باعث تقویت پیوند اجتماعی می‌گردد (هگن، ۱۹۸۸: ۱۶۷-۱۶۶؛ به نقل از ممتاز، ۱۳۸۵). نای معتقد است خانواده دارای تأثیرات زیر است: (۱) نظارت درونی، (۲) نظارت غیر مستقیم، (۳) نظارت مستقیم و (۴) ارضای نیازها.

۱. کنترل درونی: از طریق جامعه‌پذیری کودک و ایجاد وجدان یعنی درونی کردن هنجارها، ارزش‌ها و نیز احساس شرم و گناه، در صورت کجرفتاری، به علت رابطه‌ی نوجوان با پدر و مادر و تنبیه و سرزنش از جانب آنها واقع می‌گردد.

¹ attachment

² commitment

³ involvement

⁴ belief

⁵ nye

۲. نظارت غیر مستقیم: میل به اینکه مطابق با انتظارات خانواده رفتار کرده، باعث رنجش و ناراحتی آنها نشود. این امر بستگی به وابستگی عاطفی فرد با خانواده دارد.
۳. نظارت مستقیم: تنبیه و محدودیت مستقیم از جانب خانواده.
۴. نقش خانواده در ارضای نیازها: توانایی خانواده در تأمین زندگی، فراهم کردن امکانات موفقیت در آینده برای جوانان. برخی از خانواده‌ها در تهیه این امور موفق‌تر از بقیه هستند در نتیجه بیشتر می‌توانند نوجوان و جوان را با جامعه هم‌نوا سازند. در حالیکه خانواده‌هایی که چنین توانایی‌هایی ندارند کمتر می‌توانند از نوجوانان خود انتظار هم‌نوایی داشته باشند. نای اضافه می‌کند که فروپاشی خانواده کم‌اهمیت‌تر از خوشحالی و خوشبختی خانواده است. یعنی خانواده‌ای که پر از تشنج و اختلاف باشد می‌تواند نقش مهمی در کج‌رفتاری نوجوانان بازی کند. اما نوجوانی که در خانواده‌ی طلاق گرفته ولی آرام زندگی می‌کند وضعیت بهتری دارد (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۲۴-۱۲۳).

جان هگن^۱: جنسیت و انحرافات اجتماعی

هگن نشان می‌دهد ارقام جنایت میان زنان بسیار پایین‌تر از مردان است. بحث هگن این است که تبیین رابطه‌ی این دو متغیر تحت تأثیر عوامل دیگری مانند دنیای کار، ساخت طبقاتی و اشکال گوناگون نظارت بر رفتار زنان و مردان قرار دارد هگن معتقد است مهم‌ترین بعد قشربندی اجتماعی مربوط به این است که چگونه عمل‌کنندگان در طبقات اجتماعی جای می‌گیرند یا چگونه پاداشی مانند منزلت و درآمد میان آنها تقسیم می‌شود. مسئله‌ی اصلی این است که چه کسی برای رقابت در دستیابی به پاداش‌ها برگزیده می‌شود. واضح است که زنان به مراتب از مردان در دسترسی به پاداش‌ها در نظام قشربندی محدودتر هستند. مردان بیشتر در صحنه‌ی اجتماعی یعنی جهان کار حضور دارند و برعکس زنان بیشتر در صحنه‌ی حوزه‌ی خصوصی یعنی زندگی خانوادگی حاضر هستند. نتیجه‌ی این محدودیت این است که زنان کمتر امکان ارتکاب جرایم را دارند (هگن، ۱۹۸۸: ۲۶۸؛ دانز و راک، ۱۹۹۵: ۳۱۱؛ به نقل از ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۸۲). جهان نوین کار نوع جدیدی از نظارت اجتماعی را پدید می‌آورد و این نظارت شامل نظارت رسمی بر رفتار مردان می‌گردد. زیرا مردان در واقع وارد حوزه‌ی عمومی زندگی شهری می‌گردند و زنان تنها مورد نظارت غیر رسمی خانواده واقع می‌شوند. بحث اصلی هگن این است که علت ارقام جنایت پایین‌تر جنایت و کج‌رفتاری در میان زنان کنترل غیر رسمی در درون خانواده

^۱ J. Hagan

است. فرض هگن این است هر چه نظارت اجتماعی غیر رسمی کاهش یابد، قوانین بیشتری برای کنترل رفتار به شکل رسمی پدید می‌آیند. به همین علت در جوامع مدرن شهری قوانین نظارت اجتماعی رسمی بی‌شماری نوشته‌اند که بیشتر در مورد مردان به اجرا گذاشته می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

فرضیات پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین جنس و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین دلبستگی به والدین و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین تعلق به مدرسه و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین دینداری و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین از هم‌گسیختگی خانواده و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۷- به نظر می‌رسد بین تفاهم والدین و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۸- به نظر می‌رسد بین استفاده از رسانه‌های ارتباط‌جمعی و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۹- به نظر می‌رسد بین معاشرت با دوستان هنجارشکن و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۱۰- به نظر می‌رسد بین نظارت والدین و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه‌ی نظری این پژوهش بر اساس بررسی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته و در ادامه با توجه به موضوع تحقیق و در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش، تحقیق با استفاده از روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفته است. تحقیق پیمایشی که یکی از روش‌های تحقیق اجتماعی رایج به شمار می‌رود، عبارت است از: اجرای پرسشنامه‌ها روی نمونه‌ای از پاسخ‌دهندگان که از میان جمعیتی انتخاب می‌شود (ببی، ۱۳۸۸: ۵۴۷). جمعیت آماری این تحقیق، کلیه‌ی دانش‌آموزان پسر و دختر مقطع متوسطه‌ی دوره‌ی دوم ناحیه‌ی ۲ شهر اهواز می‌باشد که طبق آماری که از مرکز آمار اداره‌ی آموزش و پرورش این ناحیه به‌دست آمده، تعداد دانش‌آموزان متوسطه‌ی دوره‌ی دوم این ناحیه در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳، ۱۵۹۱۸ نفر بوده است. در این پژوهش، به منظور نمونه‌گیری از جمعیت آماری از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است؛ و برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران^۱ ۳۷۵ دانش‌آموز انتخاب گردید، این نمونه‌ی انتخابی شامل ۱۸۲ پسر و ۱۹۳ دختر می‌باشد. در این تحقیق، برای شناسایی اعتبار شاخص‌ها از اعتبار صوری^۲ و برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است، که آلفای به دست آمده برای متغیرها در جدول ۲ مشاهده می‌شود. به منظور پردازش و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار آماری *SPSS* استفاده شده است. در این تحقیق علاوه بر آمار توصیفی، از آمار استنباطی نیز استفاده شده که در این بخش از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی، آنالیز واریانس یک‌طرفه و رگرسیون چندمتغیره به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

^۱ Cochran

^۲ face validity

جدول ۲: مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای فاصله‌ای تحقیق

آلفای کرونباخ	نام متغیر
۰/۹۰	هنجارشکنی
۰/۷۴	پایگاه اجتماعی - اقتصادی عینی
۰/۸۳	پایگاه اجتماعی - اقتصادی ذهنی
۰/۸۹	وابستگی به والدین
۰/۹۲	تعلق به مدرسه
۰/۸۳	دینداری
۰/۷۰	استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی
۰/۷۲	معاشرت با دوستان هنجارشکن
۰/۹۱	نظارت والدین

تعریف مفاهیم و عملیاتی نمودن متغیرهای پژوهش

الف) متغیر وابسته

متغیر وابسته با تکیه بر آراء دورکیم، پارسونز و مرتون در نظر گرفته شده است. مفهوم هنجارشکنی به معنای سرپیچی از ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه به کار می‌رود (آقاپور، ۱۳۸۷: ۱۲). «هنجارشکنی^۱» ارتباط نزدیک و استواری با مفهوم «آنومی^۲» دارد. کلمه «آنومی» را امیل دورکیم^۳ به قلمرو جامعه‌شناسی وارد کرد. هر گاه شیرازه‌ی تنظیم‌های اجتماعی از هم گسیخته شوند، نفوذ نظارت‌کننده‌ی جامعه بر گرایش‌های فردی، دیگر کارایی‌اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار می‌شود. دورکیم این وضعیت را بی‌هنجاری یا آنومی می‌خواند (کوزر، ۱۳۷۳: ۱۹۲). برای عملیاتی کردن این متغیر از ۱۱ گویه استفاده شده است. این گویه‌ها برگرفته از پژوهش اسفندیاری (۱۳۸۵) و شاطریان و دیگران (۱۳۹۲) می‌باشد.

ب) متغیرهای مستقل

جنسیت: متغیر جمعیت‌شناختی است که بعنوان یکی از متغیرهای مستقل به کار گرفته شد.

^۱ norm breaking

^۲ anomie

^۳ E. Dorkhiem

پایگاه اجتماعی - اقتصادی: این متغیر می‌تواند به‌طور غیر مستقیم از تئوری مرتون استخراج شود. به دلیل اینکه یکی از شاخص‌های این متغیر درآمد است؛ همچنین آن را می‌توان از تئوری فرصت‌های نابرابر کلوارد و اوهلین استخراج نمود؛ زیرا داشتن پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا در جامعه سبب دستیابی افراد به فرصت و موقعیت‌های بهتری می‌شود و افرادی که چنین موقعیتی ندارند به دلیل عدم دستیابی به اهدافشان گرایش بیشتری به هنجارشکنی و به‌طور کلی بزهکاری دارند (احمدی، ۱۳۸۷). متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی در مقاله‌ی حاضر به دو شیوه‌ی عینی و ذهنی^۱ عملیاتی شده است. این متغیر در سطح مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده است. شاخص‌های مربوط به شیوه‌ی عینی شامل سطح تحصیلات والدین، نوع شغل والدین و میزان درآمد خانواده است. برای عملیاتی کردن متغیر شاخص‌های ذهنی (سنجش پنداشت ذهنی فرد از پایگاه - اجتماعی خود) در این متغیر نیز از گویه‌هایی نظیر نگرش مردم به شغل و تحصیلات پدر، کفایت هزینه‌ی زندگی و نظر شخص درباره‌ی طبقه‌ی اجتماعی خود، استفاده شد.

دلبستگی^۲ به والدین: این متغیر برگرفته از نظریه‌ی هیرشی می‌باشد. طبق نظر هیرشی منظور از دلبستگی این است که فرد نسبت به افرادی که با آنان پیوندهای نزدیکی دارد، دارای احساساتی است که این احساسات موجب می‌شود نسبت به آنچه درباره‌ی رفتار او می‌اندیشد مراقب باشد (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۱). برای عملیاتی کردن این متغیر از شش گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. شاخص‌های این متغیر از پژوهش ترنبری و دیگران (۱۹۹۱)، استخراج شده است.

تعلق به مدرسه: منظور میزان تعلقات، دلبستگی‌ها و تعهدات پاسخگویان (دانش‌آموزان) نسبت به مدرسه است. این متغیر نیز، از نظریه‌ی کنترل اجتماعی هیرشی استخراج شده است. شاخص‌های این متغیر برگرفته از پژوهش راسموسن^۳ و دیگران (۲۰۰۵)، است که به صورت سه گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده سنجیده شده است.

دینداری: دینداری به معنای التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی است (احمدی، ۱۳۸۸). این متغیر از نظریه‌ی کنترل اجتماعی هیرشی و نظریه‌ی دورکیم استخراج شده

^۱ عملیاتی کردن متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی به شیوه‌ی ذهنی به اهتمام دکتر نبوی صورت پذیرفته است.

^۲ attachment

^۳ Rasmussen

است. به عقیده‌ی این دو نظریه‌پرداز هر چه میزان اعتقادات و تعلقات نوجوانان به دین و ارزش‌های مذهبی کمتر باشد انحراف و هنجارشکنی آنان نیز بیشتر است. تعریف عملیاتی دینداری این تحقیق بر اساس بعد مناسکی مدل گلاک و استارک^۱ (۱۹۶۵)، است. بعد مناسکی، شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های دینی خاص، روزه گرفتن و ... است که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را بجا آورند (گلاک و استارک، ۱۹۶۵).

تفاهم والدین: تفاهم والدین^۲ به همدلی، دلبستگی عاطفی و درک متقابل بین والدین اشاره دارد (هژبریان، ۱۳۹۰: ۸۰). این متغیر از نظریه‌ی ویلیام گود استخراج شده است. ویلیام گود با کمک گرفتن از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به‌عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی کننده، تأکید می‌کند و هر گونه نابه‌ی سامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کجرو دخیل می‌داند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸). برای عملیاتی کردن این متغیر^۳ از پیوستاری که شامل گزینه‌ی طلاق، رجوع به دادگاه، بگومگو، قهر و پادرمیانی بزرگان فامیل و سازگاری استفاده شد. *از هم‌گسیختگی خانواده:*^۴ این متغیر نیز نظریه‌ی ویلیام گود استخراج شده است. شکستن واحد خانوادگی و یا تجزیه و ترکیبی از نقش‌های اجتماعی به‌علت آن که یک یا چند تن از عهده‌ی انجام تکالیف ناشی از نقش خود آن‌طور که باید و شاید بر نیامده‌اند (گود، ۱۳۵۲: ۲۴۹؛ به نقل محسنی تبریزی). برای سنجش این متغیر از دو گویه استفاده شده، که از پایان‌نامه‌ی فاریابی (۱۳۷۴)، برگرفته شده است.

استفاده از رسانه‌های ارتباطی جمعی: عبارت است از اینکه فرد چه میزان از وقت خود را صرف استفاده از این رسانه‌ها می‌کند. این متغیر از نظریه‌ی تقلید تارد و یادگیری ساترلند استخراج شده است. به عقیده‌ی آنها فرایند کسب رفتار بزهکارانه و مجرمانه از طریق تقلید که مبتنی بر تجربه‌های یادگیری مشاهده‌ای است انجام می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۸). برای عملیاتی کردن این متغیر از چهار نوع رسانه شامل رادیو، ماهواره، اینترنت و کامپیوتر استفاده کرده‌ایم، که در قالب طیف لیکرت و در سطح مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده‌اند.

^۱ Glack and stark

^۲ understanding parenting

^۳ عملیاتی کردن این متغیر به اهتمام دکتر سید عبدالحسین نبوی انجام گرفته است.

^۴ family disruption

معاشرت با دوستان هنجارشکن: اشاره به فرآیند تعامل و ارتباط با دوستان بزهکار و یادگیری بزهکاری از آنها دارد. این متغیر از نظریه‌ی یادگیری ساترلند استخراج شده است. طبق گفته‌ی ساترلند، رفتار انحرافی از طریق داشتن روابط اجتماعی با انواعی خاص از مردم مانند تبهکاران آموخته می‌شود (ستوده، ۱۳۹۲: ۱۴۹). برای سنجش این متغیر از چهار سؤال استفاده شده که با توجه به پژوهش اسفندیاری (۱۳۸۵)، ساخته شده‌اند.

نظارت والدین: نظارت والدین، به راهکارهای گسترده‌ای اطلاق می‌شود که والدین با استفاده از آن، بر فعالیت کودکان نظارت می‌کنند (توحیدلو، ۱۳۹۱). این متغیر از نظریه‌ی نای برگرفته شده است. به عقیده‌ی وی خانواده نقش بسزایی در کنترل درونی از طریق جامعه‌پذیری و کنترل بیرونی از طریق نظارت مستقیم و غیر مستقیم بر فرزندان دارد. عملیاتی‌کردن این متغیر به‌وسیله‌ی چهار سؤال انجام شده که از پژوهش مدوری (۲۰۱۱)، استخراج شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق نشان داد که از میان ۳۷۵ نفر پاسخگویان، ۱۸۲ نفر پسر بوده‌اند که معادل ۴۸/۵ درصد از کل پاسخگویان و ۱۹۳ نفر دختر که معادل ۵۱/۵ درصد از کل پاسخگویان می‌باشند. دامنه‌ی سنی در گروه نمونه، بین ۱۵-۱۸ سال می‌باشد. بیشترین فراوانی مربوط به سن ۱۶ سال است، که حدود ۷۲/۲ درصد از کل تعداد پاسخگویان را به خود اختصاص داده و کمترین تعداد در سن ۱۸ سال مشاهده می‌شود که ۷۵ نفر از پاسخگویان را شامل می‌شود. میانگین سنی پاسخگویان ۱۶/۳۹ سال باشد. در خصوص متغیر وابسته، دامنه‌ی هنجارشکنی در گروه نمونه بین ۴٪ تا ۶۴٪ در نوسان می‌باشد. میانگین هنجارشکنی دانش‌آموزان ۱۱/۱۳ درصد می‌باشد. مطابق یافته‌ها ۴۲/۴ درصد از پاسخگویان مرتکب هنجارشکنی در سطح کم، ۴۰ درصد از آنها دارای هنجارشکنی متوسط و ۱۷/۶ درصد هنجارشکنی زیادی مرتکب شده‌اند.

آزمون فرضیات

فرضیه‌ی اول: به نظر می‌رسد بین جنس و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

مطابق جدول ۳، بین دو متغیر جنس و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که مقدار t بدست آمده برابر با ۶/۸۸ و سطح

معناداری حاصل برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد. میانگین هنجارشکنی دختران ۸/۵۱ و پسران ۱۳/۹۱ است که نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار میان میانگین‌ها می‌باشد. یعنی هنجارشکنی در بین دختران و پسران متفاوت است و دختران کمتر از پسران مرتکب هنجارشکنی می‌شوند.

جدول ۳: آزمون تفاوت میانگین هنجارشکنی پاسخگویان بر حسب جنس آنها

جنس	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معنی‌داری	درجه‌ی آزادی
پسر	۱۸۲	۱۳/۹۱۷	۹/۸۹	۶/۸۸	۰/۰۰۰	۳۷۳
دختر	۱۹۳	۸/۵۱۸	۴/۴۳			

آزمون فرضیه‌ی دوم: به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هنجارشکنی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی به دو صورت عینی و ذهنی مورد سنجش قرار گرفته است. بر اساس نتایج بدست آمده در جدول ۴ مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی عینی و هنجارشکنی ۰/۲۸۱- و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ می‌باشد؛ که نشان‌دهنده رابطه‌ی منفی بین این دو متغیر می‌باشد؛ همچنین ضریب همبستگی بین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی در بعد ذهنی با هنجارشکنی ۰/۳۹۱- و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ می‌باشد. که این ضرایب نشان‌دهنده رابطه‌ی معکوس و معنی‌دار بین این دو متغیر بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر چه فرد از پایگاه اجتماعی - اقتصادی (عینی و ذهنی) بالاتری برخوردار باشد، هنجارشکنی وی کمتر است.

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی (ابعاد عینی و ذهنی) و هنجارشکنی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد عینی) و هنجارشکنی	۰/۲۸۱**	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد ذهنی) و هنجارشکنی	۰/۳۹۱**	۰/۰۰۰

** $P < 0.01$

فرضیه‌ی سوم: به نظر می‌رسد بین دلبستگی به والدین و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

نتایج موجود در جدول ۵ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین این دو متغیر $-0/378$ و سطح معنی‌داری آن $0/000$ می‌باشد. مبنی بر این که بین دو متغیر دلبستگی به والدین و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. یعنی هر چقدر دلبستگی به والدین کمتر باشد، هنجارشکنی بیشتر می‌شود.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای دلبستگی به والدین و هنجارشکنی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
دلبستگی به والدین و هنجارشکنی	$-0/378^{**}$	$0/000$

$P < 0/01^{**}$

فرضیه‌ی چهارم: به نظر می‌رسد بین تعلق به مدرسه و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

نتایج جدول ۶ بیانگر آن است که بین دو متغیر تعلق به مدرسه و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر $-0/470$ و سطح معنی‌داری آن $0/000$ می‌باشد.

جدول ۶: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای تعلق به مدرسه و هنجارشکنی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
تعلق به مدرسه و هنجارشکنی	$-0/470^{**}$	$0/000$

$P < 0/01^{**}$

فرضیه‌ی پنجم: به نظر می‌رسد بین دینداری و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

مطابق یافته‌ها بین دو متغیر دینداری و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌دار معکوسی وجود دارد. نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین این دو متغیر $-0/510$ و سطح معنی‌داری آن $0/000$ می‌باشد. یعنی هر چه دینداری دانش‌آموزان بیشتر باشد، هنجارشکنی آنها کمتر می‌شود.

جدول ۷: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای دینداری و هنجارشکنی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
دینداری و هنجارشکنی	$-0/510^{**}$	$0/000$

 $P < 0/01^{**}$

فرضیه‌ی ششم: به نظر می‌رسد بین از هم‌گسیختگی خانواده و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

یافته‌های بدست آمده حاکی از آن است که آماره‌ی t برابر با $-3/84$ و سطح معناداری حاصل برابر با $0/000$ می‌باشد، که نشان می‌دهد تفاوت میان میانگین‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار است. یعنی هنجارشکنی در بین دانش‌آموزانی که در خانواده‌های سالم زندگی می‌کنند با کسانی که در خانواده‌ی گسسته زندگی می‌کنند کمتر است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۸ مشاهده می‌شود.

جدول ۸: آزمون تفاوت میانگین هنجارشکنی پاسخگویان بر حسب از هم‌گسیختگی خانواده

نوع خانواده	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معنی داری	درجه‌ی آزادی
سالم	۳۱۰	۱۰/۴۱	۷/۵۴	$-3/84$	$0/000$	۳۷۳
از هم‌گسیخته	۶۵	۱۴/۵۶	۹/۳۴			

 $P < 0/01^{**}$

فرضیه‌ی هفتم: به نظر می‌رسد بین تفاهم والدین و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین این دو متغیر $-0/078$ و سطح معنی‌داری آن $0/131$ می‌باشد. که نشان‌دهنده‌ی آن است که فرضیه‌ی مذکور رد می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تفاهم والدین تأثیری بر هنجارشکنی دانش‌آموزان ندارد.

جدول ۹: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای تفاهم بین والدین و هنجارشکنی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
تفاهم بین والدین و هنجارشکنی	$-0/078$	$0/131$

فرضیه‌ی هشتم: به نظر می‌رسد بین استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

نتایج بدست آمده در جدول ۱۰ بیانگر آن است که بین دو متغیر استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰/۱۸۶ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ می‌باشد. که بیانگر رابطه‌ی مستقیم بین این دو متغیر می‌باشد.

جدول ۱۰: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و هنجارشکنی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و هنجارشکنی	۰/۱۸۶**	۰/۰۰۰

$P < ۰/۰۱$ **

فرضیه‌ی نهم: به نظر می‌رسد بین معاشرت با دوستان هنجارشکن و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰/۵۰۶ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ می‌باشد. این نتایج نشان‌دهنده‌ی آن است که فرضیه‌ی مذکور تأیید شده است؛ مبنی بر اینکه بین دو متغیر معاشرت با دوستان هنجارشکن و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. یعنی هر چه معاشرت با دوستان هنجارشکن بیشتر باشد، هنجارشکنی دانش‌آموزان بیشتر است. نتایج حاصله در جدول ۱۱ نشان داده شده است.

جدول ۱۱: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای معاشرت با دوستان هنجارشکن و هنجارشکنی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
معاشرت با دوستان هنجارشکن و هنجارشکنی	۰/۵۰۶**	۰/۰۰۰

$P < ۰/۰۱$ **

فرضیه‌ی دهم: به نظر می‌رسد بین نظارت والدین و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

همان‌طور که نتایج جدول ۱۲ نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰/۶۰۲- و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ می‌باشد. بدین معنی که بین دو متغیر نظارت

والدین و هنجارشکنی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. یعنی هر چه نظارت والدین بیشتر باشد هنجارشکنی دانش‌آموزان کمتر می‌باشد.

جدول ۱۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای نظارت والدین و هنجارشکنی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
نظارت والدین و هنجارشکنی	$-0/602^{**}$	$0/000$

$P < 0/01^{**}$

یافته‌ها و تحلیل‌های رگرسیون چند متغیره پژوهش

برای ساختن معادله‌ی رگرسیونی پیش‌بینی شدت هنجارشکنی متغیرهایی که در سطح فاصله‌ای و دارای رابطه با متغیر وابسته بوده‌اند، به‌عنوان متغیر مستقل و هنجارشکنی به‌عنوان متغیر وابسته وارد شدند. در جدول ۱۳ نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون هنجارشکنی با متغیرهای مستقل به روش خطی ارائه شده است. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که حدود ۵۲٪ از واریانس میزان هنجارشکنی دانش‌آموزان توسط متغیرهای ارائه شده در مدل، تبیین شده است. با توجه به ضریب تعیین به دست آمده می‌توان گفت مدل طراحی شده از قدرت تبیین بالایی جهت پیش‌بینی و تبیین متغیر وابسته برخوردار است. جدول ۱۴ تحلیل ضرایب رگرسیون خطی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۳: تجزیه‌ی واریانس رگرسیون چند متغیره‌ی فرضیه‌های تحقیق

مدل	کمیت F	سطح معنی‌داری	رگرسیون چندگانه	R^2
رگرسیون	۴۴/۷۷۳	$0/000$	$0/۷۲۵$	$0/۵۲۶$

جدول ۱۴: تحلیل ضرایب رگرسیون خطی

متغیرها	شاخص‌ها	B	Beta	خطای استاندارد	مقدار T	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت		۱۵/۱۷۴		۵/۳۸۶	۲/۸۱۷	۰/۰۰۵
سن		۰/۶۴۷	۰/۰۷۸	۰/۲۷۶	۲/۴۳۵	۰/۰۲۰
پایگاه اجتماعی - اقتصادی عینی		-۱/۳۰۹	-۰/۱۰۴	۰/۵۳۲	-۲/۴۵۹	۰/۰۱۴
پایگاه اجتماعی - اقتصادی ذهنی		-۱/۱۹۱	-۰/۰۹۷	۰/۵۳۶	-۲/۲۲۳	۰/۰۲۷
دلبستگی به والدین		۰/۰۷۳	۰/۰۴۲	۰/۰۷۶	۰/۹۴۹	۰/۳۴۳
دینداری		-۰/۲۸۲	-۰/۲۰۳	۰/۰۶۱	-۴/۶۱۵	۰/۰۰۰
تعلق به مدرسه		-۰/۳۰۹	-۰/۱۳۲	۰/۱۰۵	-۲/۹۳۴	۰/۰۰۴
استفاده از رسانه‌های جمعی		۰/۱۲۰	۰/۰۶۵	۰/۰۶۹	۱/۷۲۶	۰/۰۸۵
معاشرت با دوستان هنجارشکن		۰/۵۳۷	۰/۱۹۱	۰/۱۱۹	۴/۴۹۳	۰/۰۰۰
نظارت والدین		-۰/۵۴۴	-۰/۳۱۲	۰/۰۸۳	-۶/۵۹۱	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه نابهنجاری و انحراف رفتاری نوجوانان به‌عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی مورد توجه صاحب‌نظران علوم اجتماعی می‌باشد؛ در این میان هنجارشکنی و انحراف رفتاری دانش‌آموزان از اهمیتی خاصی برای حوزه‌ی آموزش و پرورش برخوردار است. از آنجایی که جلوگیری از تداوم نابهنجاری‌ها در این گروه به منزله‌ی عدم وقوع جرم در بزرگسالی است و با توجه به بالا بودن جمعیت دانش‌آموزی، در این پژوهش تلاش شده است تا برخی از علل و عوامل مؤثر بر هنجارشکنی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه‌ی دوره‌ی دوم شهرستان اهواز مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد در منطقه‌ی مورد مطالعه میان پسران و دختران به لحاظ هنجارشکنی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به این معنا که هنجارشکنی پسران بیشتر از دختران می‌باشد. این یافته با نظریات هگن و پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانش‌آموزان رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری با هنجارشکنی دارد. به‌عبارت دیگر هر چه فرد از پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین‌تری برخوردار باشد هنجارشکنی وی بیشتر است. این یافته منطبق با نظریه‌های مرتون، کلووارد و اوهلین و کوهن است؛ همچنین نتیجه‌ی به دست آمده همسو با یافته‌های تحقیقات شاطریان و دیگران (۱۳۹۲) است.

در خصوص دل‌بستگی به والدین و رابطه‌ی آن با هنجارشکنی دانش‌آموان نتایج این تحقیق نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی منفی بین این دو متغیر می‌باشد. یعنی هر چقدر دل‌بستگی به والدین بیشتر باشد، هنجارشکنی کمتر می‌باشد. نظریه‌ی کنترل اجتماعی هیرشی مؤید این نتیجه می‌باشد. به عقیده‌ی وی کسانی که به والدین خود دل‌بستگی بالایی دارند کمتر احتمال دارد دچار هنجارشکنی شوند (ستوده، ۱۳۹۲: ۱۳۹)؛ همچنین این نتیجه با یافته‌های تحقیقات پیشین همسو می‌باشد.

در مورد متغیر تعلق به مدرسه یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی منفی بین این دو متغیر می‌باشد. یعنی هر چقدر تعلق به مدرسه بیشتر باشد، هنجارشکنی کمتر می‌باشد. این یافته نیز با نظریه‌ی هیرشی همسو است. هیرشی معتقد است دانش‌آموزانی که تعلق بالایی نسبت به مدرسه دارند، احتمال کمتری می‌رود که دچار کژرفتاری شوند (ستوده، ۱۳۹۲: ۱۳۸)؛ همچنین نتیجه‌ی به دست آمده همسو با یافته‌های تحقیقات قبلی می‌باشد.

متغیر دیگری که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت دینداری است. نتایج نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی بین این دو متغیر می‌باشد. یعنی هر چقدر دینداری دانش‌آموزان بیشتر باشد، هنجارشکنی آنها کمتر می‌باشد. نظریات هیرشی و دورکیم مؤید این یافته هستند. مطابق نظریات این دو نظریه‌پرداز هر چه میزان اعتقادات و تعلقات افراد به دین و ارزش‌های مذهبی بیشتر باشد، کمتر مرتکب انحرافات اجتماعی خواهند شد.

در خصوص از هم‌گسیختگی خانواده نتایج به دست آمده از انجام آزمون تفاوت میانگین نشان می‌دهد بین دو متغیر هنجارشکنی و از هم‌گسیختگی خانواده رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. یعنی هنجارشکنی دانش‌آموزانی که در خانواده‌ی سالم زندگی می‌کنند با دانش‌آموزانی که در خانواده‌های از هم‌گسیخته زندگی می‌کنند متفاوت است. هر چقدر از هم‌گسیختگی خانواده بیشتر باشد، هنجارشکنی دانش‌آموزان بیشتر می‌باشد. این یافته همسو با نظریه‌ی ویلیام گود می‌باشد. به عقیده‌ی وی گسیختگی خانواده باعث می‌شود اعضای آن دچار بحران شوند و نوجوانان به طرف رفتارهای انحرافی کشیده شوند؛ همچنین نتیجه‌ی به دست آمده با یافته‌های تحقیق پورصالح (۱۳۷۸)، همخوانی دارد.

در خصوص متغیر تفاهم والدین رابطه‌ی معنی‌داری بین این متغیر و هنجارشکنی یافته نشد. نتایج نشان‌دهنده‌ی آن است که فرضیه‌ی مذکور رد می‌شود. یعنی تفاهم والدین تأثیری بر هنجارشکنی دانش‌آموزان در این پژوهش ندارد.

رابطه‌ی بین استفاده از رسانه‌های ارتباط‌جمعی و هنجارشکنی دانش‌آموزان در این تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معنی‌دار و مثبت بین این دو متغیر می‌باشد. یعنی هر چقدر استفاده‌ی دانش‌آموزان از رسانه‌های ارتباط‌جمعی بیشتر باشد، هنجارشکنی آنها بیشتر می‌باشد. نتیجه‌ی به دست آمده همسو با نظریات ساترلند، تارد و پژوهش‌های باندورا (۱۹۷۳)، نظریه‌پرداز یادگیری روان‌شناختی می‌باشد؛ که معتقدند نوجوانان از طریق مشاهده‌ی رسانه‌های جمعی، رفتارهای مجرمانه را یاد می‌گیرند و به تقلید این رفتارها می‌پردازند، در نتیجه مرتکب انحراف خواهند شد.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر هنجارشکنی که با بررسی متون مربوط به انحرافات و بزهکاری می‌توان به نقش قابل توجه آن در بروز ناهنجاری‌های اجتماعی پی برد، متغیر معاشرت با دوستان هنجارشکن است. در این تحقیق بر اساس نتایج آزمون رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیم بین معاشرت با دوستان هنجارشکن و هنجارشکنی وجود دارد. یعنی هر چقدر معاشرت دانش‌آموزان با دوستان هنجارشکن بیشتر باشد، هنجارشکنی آنها بیشتر می‌باشد. نظریه‌ی ساترلند مؤید این یافته می‌باشد. به اعتقاد وی رفتار انحرافی یاد گرفته می‌شود و یادگیری عمده از طریق کنش متقابل فرد در درون گروه‌های مشخص و صمیمی همچون گروه همسالان رخ می‌دهد (ممتاز، ۱۳۸۵). نتیجه‌ی به دست آمده همسو با یافته‌های تحقیقات پیشین می‌باشد.

نظارت والدین متغیر دیگری بود که رابطه‌ی آن با هنجارشکنی بررسی شد. نتایج نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی بین این دو متغیر می‌باشد. یعنی هر چقدر نظارت والدین بیشتر باشد، هنجارشکنی دانش‌آموزان کمتر می‌باشد. نظریه‌ی کنترل اجتماعی مؤید این نتیجه است. نتیجه‌ی به دست آمده مطابق با یافته‌های تحقیقات پیشین می‌باشد.

با توجه به مجموع مطالب نظری و نیز یافته‌های تحقیق در دست، چند پیشنهاد زیر را مطرح می‌کنیم.

- نظارت و کنترل والدین بر نحوه‌ی دوست‌یابی و همچنین ارتباطات فرزندان، حمایت اجتماعی والدین از طریق ارتباط منطقی و صمیمی والدین و سایر اعضای خانواده با آنها، تلاش معلمان و اولیای مدارس برای برقراری ارتباط صمیمانه و مطلوب با دانش‌آموزان، جلسات مشاوره‌ای رایگان در مدارس با حضور دانش‌آموزان و خانواده‌ها برگزار شود، برگزاری مراسم‌های فرهنگی و دعوت به شرکت دانش‌آموزان همراه با خانواده‌ها و مهم جلوه دادن فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خارج از حوزه‌ی درس نمونه‌ای از راهکارهای

پیشنهادی است. در پژوهش حاضر ۰/۵۲ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط عواملی که مورد آزمون قرار گرفته‌اند، تبیین گردیده است؛ بنابراین لازم است در تحقیقات بعدی، نقش عوامل دیگر نیز در تبیین این پدیده مورد بررسی قرار گیرد. نتایج به دست آمده از این مطالعه مختص ناحیه‌ی دو شهرستان اهواز می‌باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد که مطالعه‌ای با همین سبک و سیاق در دیگر نواحی شهرستان و همچنین شهرستان‌های دیگر استان نیز انجام شود تا بتوان نتایج آن را با نتایج حاصله از تحقیق در دست مقایسه کرد؛ همچنین پیشنهاد می‌شود (به جهت گستردگی عوامل مؤثر بر هنجارشکنی) محققین بعدی به ابعاد جزئی‌تر این مسأله بپردازند. تا از این طریق به‌طور عمیق‌تر و با دقت بیشتری مسأله موشکافی و طبعاً راه‌حل‌های بهتری نیز ارائه خواهد شد.

فهرست منابع:

- احمدی، حبیب (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
- احمدی، یعقوب (۱۳۸۸). "وضعیت دینداری و نگرش به آینده‌ی دین در میان نسل‌ها (مطالعه‌ی موردی: شهر سنندج)"، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره‌ی اول.
- اسفندیاری، محمدعلی (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی انواع هنجارشکنی‌های دانش‌آموزان در مدارس، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- آقاپور، علی (۱۳۸۷). هنجارشکنی در رسانه‌های جمعی، نشر دفتر عقل.
- ببی، ارل (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی رضا فاضل، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- بخارایی، احمد (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: پیام نور.
- پارسینه (۱۳۹۰). مشکلات اقتصادی علت ارتباطات نامشروع دانش‌آموزان نیست، بازیابی شده در ۱۷ مرداد ۱۳۹۰، <http://www.parsine.com/fa/news/44322>
- پورصالح، ابراهیم (۱۳۷۸). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هنجارشکنی دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهر رشت، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- توحیدلو، احسان (۱۳۹۰). وبلاگ کلاسی درس روش تحقیق www.nasimonline.ir/news/23231
- حمید، علیرضا (۱۳۸۲). هنجارشکنی در مدارس، <http://rendha.persianblog.ir/post/34>
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۳). هشدار در پی معلم‌کشی در مدرسه، بازیابی شده در ۳ آذر ۱۳۹۳، <http://www.isna.ir/fa/news/93090301856>
- خیرآبادی، معصومه (۱۳۹۰). راه میان‌بر اما ... ، مقاله‌ی رشد، آموزش راهنمایی تحصیلی، دوره‌ی ۱۶، شماره‌ی ۸، بازیابی شده در ۲ اردیبهشت ۱۳۹۰، www.roshdmag.ir/Roshdmag-content/media/article/2383T
- رحیمی موقر، آفرین؛ سهیمی ایزدیان، الهه و یونسینان، مسعود (۱۳۸۵). "مطالعه‌ی مروری وضعیت مصرف مواد در دانشجویان کشور"، مجله‌ی پایش، سال پنجم، شماره‌ی ۵.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ بیست و دوم.

شاطریان بیدگل محسن؛ اسمی جوشقانی، زهرا و نوریان آرنی فهیمه (۱۳۹۲). "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان"، مجله‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره‌ی سوم. شیخاوندی، داور (۱۳۵۰). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آن. کوزر، لوئیس (۱۳۷۰). زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.

کوفن، بروس (۱۳۷۳). درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: توتیا. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). وندالیسم، تهران: انتشارات آن. ممتاز، فریده (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.

مهرگان، آمنه (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های دخترانه‌ی رشت واحد پرنده، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.

نسیم آنلاین (۱۳۹۳). جامعه، آسیب‌ها، آمار ستاد مبارزه با مواد مخدر از اعتیاد دانش‌آموزان، بازیابی شده در ۱ اردیبهشت ۱۳۹۳، www.nasimonline.ir.

هژبریان، لاله (۱۳۹۰). بررسی برخی عوامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان شهر اهواز، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز. وبسایت خبری دانا (۱۳۹۲). افزایش بی‌اخلاقی و بدرفتاری در مدارس کشور، بازیابی شده در ۲۶ آذر ۱۳۹۲، <http://www.dana.ir/News/39057.html>.

وکیلی، خلیل (۱۳۸۸). رواج تقلب در بین دانش‌آموزان، سایت وب‌گذر، www.webgozar.com.

Dijkstra, J. K., Lindenberg, S., Verhulst, F., Ormel, J. Veenstra, R. (2009). "The Relation between Popularity and Aggressive, Destructive, and Norm-Breaking Behaviors: Moderating Effects of Athletic Abilities, Physical Attractiveness, and Prosocialit", *Journal of research on adolescence*: 19(3), 401–413.

Glock, Ch. & Stark, R. (1965). Religion and society in Tension, Chicago: Rand.McNally.

Medori, J. (2011). "Parents and Peers: Understanding Direct and Indirect Effects on Adolescent Marijuana Use". A thesis submitted to the Faculty of Graduate Studies and Research in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science. In Family Ecology and Practice Human Ecology. Edmonton, Alberta.

Nye, L. (1958). Family relationships and delinquent behavior. New York: Wiley.

Rasmussen, M., Damsgaard, T. M., Holstein, E. Bjørn. Poulsen, H. Lis, Due, P. (2005). "School connectedness and daily smoking among boys and girls: the influence of parental smoking norms", European Journal of Public Health, Vol. 15, No. 6, 607-612.

Thornberry, P. Terence. Lizotte, J. Alan. Krohn, D. Marvin. Farnworth, M. (1991). "Testing Interactional Theory: an examination of reciprocal causal relationships among family, school and delinquency", Journal of Criminal Law and Criminology, Volume. 82, No. 1, 2-35.

Whitney, J. A. (2013). "Factors Mediating After-School Participation and Delinquency", Theses and Dissertations. Brigham young university.